

احتساب مدت خدمت نظام وظیفه اتباع ایرانی در سوابق بیمه‌ای

کارگزاری‌های رسمی برون مرزی سازمان تامین اجتماعی سابقه مدت خدمت نظام وظیفه بیمه‌شدگان ایرانی ساکن خار ج از کشور را در صورت درخواست آنان جزء سوابق بیمه‌ای لحاظ می‌کنند. مدیرکل اتباع سازمان تامین اجتماعی این خبر را داده و گفته بیمه‌شدگانی که حداقل ۲ سال قبل از ارائه درخواست خود، سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند قادر خواهند بود مدت خدمت نظام وظیفه یا جبهه‌ای خود را به سوابق بیمه‌ای خود اضافه کنند. به گفته احمدرضا خزایی، پس از احراز هویت، سابقه مدت خدمت و احراز اصالت کارت و پرداخت مابه‌التفاوت محاسبه شده در کارگزاری‌های برون مرزی ، مدت خدمت وظیفه متقاضیان به سوابق بیمه‌پردازی آن‌ها اضافه می‌شود.

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد و سه

ا ت ی v ع ه ن و

خبرها و نظره‌ای تامین اجتماعی



نگاره: شکره سحر

■ چالش سوم: افزایش بدهی‌های دولت

چالش دیگر تامین اجتماعی، پرداخت نشدن به‌موقع تعهدات دولت به این سازمان است. برآوردهای مختلف درباره حجم و رقم بدهی‌های دولت بیان شده، اما محاسبات دفتر آمار و محاسبات اقتصادی تامین اجتماعی بیانگر آن است که دولت تا پایان سال ۹۵، به استثنای کسری صندوق بیمه یکباری، برای سایر تعهدات خود به تامین اجتماعی حدود ۱۴۱ هزار میلیارد تومان بدهکار است که پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم روند انباشت مطالبات، میزان بدهی دولت‌های دولت در پایان سال ۱۴۰۰، بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان باشد. نکته تامل برانگیز، تغییر ترکیب بدهی‌ها هم‌زمان با رشد شمار بیمه‌شدگان حمایتی است. آمارها نشان می‌دهد نسبت منابع نقدی حق بیمه به کل منابع حق بیمه از حدود ۸۴درصد در سال ۸۳ به ۶۲/۵درصد در سال ۹۵ تنزل یافته که معنایش این است که دولت در این سال‌ها بیش از گذشته در مقام کارفرما ظاهر شده است. آمارهای دیگر نیز حکایت از این دارند که در شش سال منتهی به ۹۵، سهم حق بیمه‌های تعهدی به وصول نقدی حق بیمه‌ها در تامین اجتماعی از ۳۴/۸درصد به ۳۷/۵درصد رسیده است. جالب‌تر اینکه مطالبات تامین اجتماعی از دولت در برنامه چهارم توسعه به‌طور متوسط ۳۱/۷درصد رشد داشته، اما در برنامه پنجم، چهار درصد بیشتر شده و به ۳۵/۲درصد رسیده است.

■ چالش چهارم: طرح تحول نظام سلامت

در حوزه درمانی نیز تامین اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. به ویژه از سال ۹۳ به این سو و اجرای طرح تحول نظام سلامت، طرحی که از مهم‌ترین اقدامات دولت یازدهم به شمار می‌رود و تامین اجتماعی نیز نهایت اهتمام خود را در اجرای هر چه‌بهرتر آن به عمل آورده، اما عدم تخصیص اعتبارات پایدار و فشارهای مالی سنگینی که به‌خصوص به سازمان‌های بیمه‌گر وارد شده، دست‌یابی به اهداف اولیه طرح را در هاله‌ای از ابهام فروبرده است. تامین اجتماعی می‌گوید در کوتاه‌مدت از محل اعتبارات داخلی خود برای آن هزینه کرده اما اگر به اصلاحات اقدام نشود، در بلندمدت از پس هزینه‌های طرح برنمی‌آید. مطابق آمارها تامین اجتماعی در سال ۹۵ حدود ۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بیش از اعتبارات بخش درمان، در این حوزه هزینه کرده است.

مطابق صورت‌های مالی تامین اجتماعی، هزینه درمان این سازمان در این سال بالغ بر ۱۹ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بوده که نسبت به سال قبل از آن ۲۲ درصد رشد را نشان می‌دهد. جالبه اینکه در بودجه سال ۹۶ درصد درمان که حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان بوده، سهم بخش درمان غیرمستقیم ۱۰ هزار میلیارد تومان بوده اما آمارهای برآوردی عملکرد نشان می‌دهد در این بخش ۵ هزار میلیارد تومان بیشتر هزینه شده که خود یکی دیگر از دلایل افزایش کسری نقدینگی در این سازمان است. این موضوع البته تبعات دیگری هم داشته است. از جمله با افزایش کسری نقدی و تأخیر در پرداخت‌های تامین اجتماعی به درمانی طرف قرارداد، در نهایت دولت را وادار کرد که رای دستور به جدایی حساب درمان کارگران از سازمان تامین اجتماعی بدهد.

■ چالش پنجم: بازده پایین سرمایه گذاری‌ها

یکی از حوزه‌های تامین اجتماعی که مدت‌هاست یافتن تدبیری تازه برای آن احساس می‌شود، عرصه اقتصادی و سرمایه‌گذاری است. بر اساس ماده ۲۱ اساسنامه تامین اجتماعی، مانده درآمدها پس از کسر مخارج باید برای حفظ و ارتقای ارزش آن‌ها سرمایه‌گذاری شوند. اگر نیم‌نگاهی به دارایی‌های فعلی سازمان تامین اجتماعی –طبق آخرین محاسبات (سال ۹۴) ۲۲۰هزار میلیارد تومان برآورد شده- بیندازیم متوجه می‌شویم تنها بخش اندکی از دارایی‌ها خصلت سرمایه‌گذاری دارند. به عبارت دیگر، اگر ارزش دارایی‌ها را مبنا قرار دهیم، ۳۴درصد آن بابت مطالبات در اختیار دولت است و الباقی که حدود ۶۶/۷درصد است، خاصیت سرمایه‌گذاری دارد. از این مقدار نیز ۲۸درصد را دارایی‌های ثابت تشکیل می‌دهند که نقدپذیر نیستند و ۲۲/۸درصد را شرکت‌های ماموریتی تشکیل می‌دهند. یعنی عملا ۱۰درصد دارایی‌ها قابلیت سرمایه‌گذاری دارند. صورت‌های مالی این بخش نیز نشان می‌دهد وصولی حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و فروش دارایی‌ها در سال ۹۵، بازدهی حدود ۱۵۰۰میلیارد تومان داشته است. در سال بعد از آن نیز طبق محاسبات باید ۸۵۰۰میلیارد تومان درآمد حاصل می‌شد که طبق جداول اعلامی و تأییدشده شرکت‌ها، در این شش ماه فقط ۲۵۰۰میلیارد تومان عاید تامین اجتماعی شده است. در بودجه سال ۹۷ نیز گفته شده ۶۷۰۰ هزار میلیون باید از محل سرمایه‌گذاری‌ها وصول شود. این موضوع نشان می‌دهد، دارایی‌های فعلی تامین اجتماعی و عملکرد بخش سرمایه‌گذاری به هیچ عنوان قادر به پوشش تعهدات این سازمان که رقم آن تنها برای مزایای بازنشستگی ۱۶۵۲ هزار میلیارد تومان محاسبه‌شده، نیست.

■ مسئولیت‌پذیری در قبال تامین اجتماعی

قدر مسلم آنکه مسائل مبتلابه تامین اجتماعی به این چند مورد محدود نیست و در حوزه‌هایی مثل قوانین و مقررات، محاسبات بیمه‌ای، اصلاحات به‌ویژه سه‌جانبه‌گرایی، فهرست بلندبالایی از معضلات وجود دارد که در شماره‌های آینده به‌صورت جدی‌تر به آن‌ها می‌پردازیم. با این حال آنچه مشخص است، بحران تامین اجتماعی از مرحله تجویز راهکارهای کوتاه‌مدت که همانند قرص‌های مسکن عمل می‌کنند و با گذر زمان نیز از اثرگذاری آن‌ها کاسته می‌شود عبور کرده است. تامین اجتماعی این روزها بیش از هر زمان دیگری به اراده‌ای برای اجرای فرمولی جهت درمان ریشه‌ای‌تر مرض‌هایش نیاز دارد تا افزون بر برون‌رفت از گرفتاری‌های امروز، سررسید بحران‌های آتی‌اش نیز عقب‌تر بیفتند. گرچه همه می‌دانیم کشور در شرایط فعلی با مسائل ریز و درشتی در تمام حوزه‌های خرد و کلان روبه‌روست، نوع واکنش دولت و مسئولیت‌پذیری شخصی که احتمالا تا چند هفته دیگر سکندار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواهد شد در قبال حوزه تامین اجتماعی که مسائلش میل شدیدی به خارج شدن از مدار کنترل دارند، تعیین کننده است. در این میان اگر وزیر آینده به دل ماجرا بزند و برنامه و جسارت پرداختن به این موارد را تدارک ببیند، در آن صورت شاید برای اولین بار دولت را مصون از شماتی کند که بیمه‌شدگان این سازمان همیشه بابت عملکرد دولت‌ها در قبال تامین اجتماعی ابراز کرده‌اند.



کتیو | ۰۳

الزامات سرمایه‌گذاری منابع بیمه‌شدگان



کار و رفاه اجتماعی مسئولیت را می‌پذیرد در اولین اقدام خود باید استراتژی و سیاست‌گذاری برای سرمایه‌گذاری‌های تامین اجتماعی یا دیگر صندوق‌ها را بازتعریف کند. مسئله دیگر تعیین تکلیف بنگاه‌های زبان‌ده و خروج از بنگاه‌داری است. درست است که در اسناد بالادستی و سیاست‌های ابلاغی دولت، بر خروج از بنگاه‌داری تأکید زیادی شده و در وزارت رفاه نیز کمیته‌ای به این منظور تشکیل شده، اما وزیر آینده باید کمک کند استراتژی‌ها، استانداردها و چارچوب‌های دقیق و مشخص شده‌ای برای خروج از بنگاه‌داری تعیین شود و مهم‌تر اینکه منابع حاصل از فروش بنگاه‌ها در چه حوزه‌هایی و چگونه هزینه شود، چراکه در غیر این صورت این احتمال ممکن است وجود داشته‌باشد که فرایندها با فساد یا ناکارآمدی همراه شود. موضوع دیگری که پرداختن به آن، از وزیر آینده رفاه انتظار می‌رود، تدوین و اجرای استراتژی و برنامه‌ریزی مدون و علمی برای سرمایه‌گذاری ذخایر صندوق تامین اجتماعی است. در این رابطه سازمان تامین اجتماعی هم‌اینک مطالعات مشترک و گسترده‌ای با موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی را در دستورکار قرار داده تا پرتفوی سرمایه‌گذاری را متناسب با شرایط اقتصادی کشور، نقدینگی و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها مشخص کند، بنابراین ایده‌آل این است که کسی که وزیر آینده رفاه می‌شود به این مسئله توجه کافی نشان دهد و در همین چارچوب از سازمان تامین اجتماعی و حتی دیگر صندوق‌ها بخواهد که متناسب با میزان ذخایر و کمبود نقدینگی، پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های خود را مشخص کرده و در همان مسیر حرکت کنند. حتی در بحث پرتفوی می‌توان به بدهی‌های تامین اجتماعی به تنها منبعی که می‌تواند در بخش سرمایه‌گذاری، امیدوار باشد، مطالباتش از دولت است، یعنی اگر تصور شود مازادی از درآمد حق بیمه را به بخش سرمایه‌گذاری تزریق کنیم، خیالی باطل است، بنابراین برنامه‌ریزی و سازماندهی کردن نحوه وصول مطالبات از دولت باید در صدر دستورکارهای وزیر آینده رفاه باشد. دریافت مطالبات از دولت بر سبد سرمایه‌گذاری نیز اثر خواهد داشت. در شرایط کنونی که بحث پرداخت مطالبات تامین اجتماعی داغ است، طبیعی است پرداخت‌های دولت تماماً نقدی نیستند و بخشی از آن به‌صورت واگذاری سهام خواهد بود، بنابراین باید با برنامه جلوبرفت تأنجر به واگذاری شرکت‌های خارج از پرتفوی سرمایه‌گذاری تکرار نشود، یعنی وزیر آینده که به نمایندگی از تامین اجتماعی به چانه‌زنی با دولت بر سر مطالبات می‌پردازد باید شرکت‌هایی را بگیرد که با پرتفوی و زنجیره ارزش هم‌خوانی و هماهنگی داشته‌باشد.

ادامه در صفحه ۱۱



گزارش

۹۷درصد کارشناسان، موافق اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی هستند

اجماع حداکثری بر سر اصلاحات

نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد، ۹۷درصد کارشناسان حوزه رفاه و تامین اجتماعی معتقدند، انجام اصلاحات، مهم‌ترین راهکار رهایی صندوق‌های بازنشستگی از بحران و خروج از بن‌بست است.

این نظرخواهی بخشی از گزارشی است که موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی در قالب کتابی با نام «اصلاحات پیشنهادی صندوق‌های بازنشستگی» و به نویسندگی عباس خندان، متخصص طرح‌های مستمری بازنشستگی به بازار نشر عرضه کرده است.

این کتاب چالش‌های اصلی صندوق‌ها را در پنج مسئله «کاهش نسبت پشتیبانی و چالش افزایش سن بازنشستگی موثر»، «سخت‌ومندی بیش از اندازه و چالش کاهش سطح مزایا»، «پایین بودن نسبت وصول حق بیمه و چالش افزایش نرخ تمکین»، «پایین بودن کارایی و کارآمدی و چالش بهبود حکمرانی» و «تغییر شرایط بازار کار و چالش انطباق با مشاغل غیراستاندارد و غیررسمی» دسته‌بندی کرده و ۱۰۰کارشناس تامین اجتماعی را در برابر این پرسش گذاشته که از نظر آن‌ها مهم‌ترین ایده‌های خلاقانه برای خروج از بحران صندوق‌ها در ایران چیست.

نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که رویکرد منسجمی در میان شرکت‌کنندگان درباره نوع اصلاحات وجود ندارد، در مقابل ۳۷/۱درصدی که راهکار مناسب را اصلاحات پارامتریک با حفظ نظام فعلی دانسته‌اند، اصلاحات ساختاری و همراه با تغییر نظام بیمه‌ای نیز طرفداران خاص خود را دارد (۶۳ درصد). در مرتبه بعد، از افراد خواسته شد تا نظرشان را درباره مهم‌ترین گزینه‌های اصلاح بیان کنند.

نتایج نشان می‌دهد، ایجاد منابع مالی پایدار و رفع کسری با ۹۱/۸درصد، کاهش هزینه‌های اداری با ۹۰/۸درصد و برقراری عدالت با ۸۹/۷درصد، بیشترین اولویت را داشته و بازترین خواست عمومی جامعه آماری بوده است.

در مقابل، پرسش‌شوندگان به‌رغم مهم دانستن این موارد، به اهداف گسترش پوشش (۷۲/۹)، افزایش عمق مزایا (۷۱/۹ درصد) و بهبود کسب‌وکار و اشتغال (۷۰/۱ درصد) نیز توجه داشته‌اند. درباره گرایش افراد در قبال اصلاحات نیز نتایج نظرسنجی حاکی از آن است که «اصلاحات در جهت کاهش فرار بیمه‌ای و گسترش بیمه‌ای مشاغل غیررسمی» با ۶۹درصد، بیشترین میزان موافقت را داشته و در مقابل، راهکار «افزایش سن بازنشستگی» در عین حال که موافقانی داشته (۳۵درصد)، تعداد مخالفانش بیشتر بوده است (۴۱ درصد). پاسخ‌ها به پیشنهاد «یکسان‌سازی شرایط بازنشستگی زنان و مردان» نیز چالش‌برانگیز بوده و دوباره تعداد زیادی از افراد در دو سر طیف موافق و مخالف قرار گرفته‌اند.

به طوری که ۳۳درصد افراد با یکسان‌سازی موافق بوده‌اند و در مقابل نیز ۳۴درصد از شرکت‌کنندگان به صراحت گفته‌اند مخالف این پیشنهاد هستند. گزینه اصلاحی «افزایش تعداد سال‌هایی که در مستمری لحاظ شود» نیز دوقطبی ظاهر شده و نتایج نشان می‌دهد درجه موافقت افراد با آن، به سابقه بیمه‌پردازی آن‌ها بستگی دارد، یعنی هرچه سابقه بیمه‌ای افراد کمتر بوده، استقبال بیشتری از این گزینه کرده‌اند. پیشنهاد چهارم، کاهش نرخ تعلق‌پذیری (ضریب سنوات) بوده که در این باره مخالفان دست بالا را داشته‌اند و ۳۶درصد با قاطعیت طرح آن را رد کرده‌اند.

موافقان اما رفتاری محتاطانه نشان داده‌اند و تنها ۱۳درصدشان با قاطعیت اجرای کاهش ضریب سنوات را پیشنهاد کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۱